



Mrs. Nezhat Yahyazadeh
Postfach 100 446
D-30916 Isernhagen
Germany

The Norwegian Nobel institute
Drammensveien 19
No- 0255 oslo
Norway

E-Mail: nezhatyahyazadeh@hotmail.com

E-Mail: postmaster@nobel.no



چهارشنبه ۲۳ مهر ماه برابر با ۱۵ اکتبر ۲۰۰۳

نامه اعتراض به کمیته اهداء جایزه حقیر شده صلح نوبل
جهت لزوم مبارزه شدید "با آلزایمر بین المللی" و بویژه "آلزایمر ملی" ایرانیان در بند

خانمها و آقایان غالباً مجهول و کاملاً غیر مسئول

اینجانب بر خلاف شما، مبارزی آشکار و بسیار مسئول در مقابل هموطنانم میباشم و به هیچ روی امکان پذیرش این سرنوشت خفت آور رقم زده شده توسط موجودات بی اطلاع یا بی وجدان و یا هر دو! بمانند امثال شما، در فاجعه اینک جهانی شده انقلاب اسلامی در ایران، برایم میسر نیست و با احدی نیز در رودبایستی نمی باشم.

چون تنها ایرانی هستم که در طی سال ۲۰۰۲ دو بار به اعمال مستمر شده و غیر مسئولانه شما بشرح زیر اعتراض نموده ام، وظیفه ویژه ای دارم که هدف نگارش این اعتراضیه میباشد:

الف، در نامه سرگشاده شماره ۴ در تاریخ ۴ مای ۲۰۰۲ به خانم دکتر رایس مشاور امنیت ملی آمریکا، با رسید کاخ سفید ۲۴ مای ۲۰۰۲، چاپ شده در نشریه ایرانمهر چاپ تگزاس شماره ۴۱، نظر به اوضاع باور نکردنی در سطح جهان بویژه پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر، چنین نگاشتم: "...پس اگر در چنین شرایطی سال دیگر خاتمی جانی برنده جایزه صلح نوبل! شود، جای تعجب نیست! زیرا شرایط احراز آن مشخص گردیده است: ۱- **یا باید تروریست بود بمانند یاسر عرفات! ۲- و یا حامی تروریسم، مانند**

کوفی عنان!! که خاتمی جانی هم اینست و هم آن! و از همه محق تر!!!

ب، در نامه سر گشاده شماره ۶ در تاریخ ۱۴ اکتبر به پرزیدنت بوش با رسید کاخ سفید ۱۲ نوامبر ۲۰۰۲ موجود در بایگانی سایت گویا (قسمت از نگاه شما) در ارتباط با فاجعه جهانی دادن جایزه صلح نوبل به جیمی کارتر توسط شما، که حافظه جهانی را بجای اندیشیدن و یافتن مسبب اصلی به حکومت رسیدن مشتی جانی به حکومت کشور ثروتمندی چون ایران و در نتیجه بدبختی جهانگیر شده "تروریسم اسلامی"، محکوم به "آلزایمر بین المللی" نمودید، نگاشته ام: "... داوران کمیته جایزه صلح نوبل از کره مریخ نیامده اند و نمیتوانند از مجموعه گردانندگان کنونی صحنه اروپا که نهایت هارمونی را با حزب دموکرات آمریکا داشته اند، جدا باشند". در ضمن نباید فراموش کرد که زمینه این عمل شرم آور، با اطمینان و اطلاع دقیق از عدم آگاهی و توجه عمومی، بی سوادسی سیاسی غم انگیز، دردناک و باور نکردنی غالب مردم در سطح جهان و بویژه در اروپا، بتدریج آماده شده بود. اگر حافظه جهانی درست

عمل میکرد و به دادن این جایزه به یاسرعرفات تروریست کبیر، اعتراض میشد. اگر در سال گذشته جهت دادن این جایزه به گماشته شخص آقای کلینتون یعنی آقای کوفی عنان! حامی تمامی دولتهای تروریست پرور اعتراض میشد، که آقای عنان هم این جایزه را و هم سازمان ملل متحد را به حقارتی در سطح متحد نگاهداشتن انواع تروریستهای پراکنده در سطح جهان تنزل داده! زمینه، جهت پرتاب تیر خلاص به حافظه جهانی و دادن این جایزه به آقای جیمی کارتر فراهم نمیشد. آنهم زیر عنوان: "دهها سال تلاش بی وقفه در یافتن راههای مسالمت آمیز برای بحرانهای بین المللی، ارتقا دموکراسی و حقوق بشر و همچنین ترویج توسعه اقتصادی و اجتماعی!"

در حالیکه معنی واقعی این دنیا فریبی شک آور تاریخی توسط شما، چنین است: در اثر نادانی مطلق، جیمی کارتر بعنوان مسئول طراز اول، با بروی کار آوردن خمینی پدر و استاد معنوی بن لادن - القاعده، مسبب ایجاد بزرگترین بحران بین المللی تاریخ بشر گشته (خمینیسیم - تروریسم اسلامی گریبانگیر شده جهان) و او مسئول کشته شدن، بدبخت شدن و آوارگی میلیونها ایرانی و از دست دادن کلیه آزادی های فردی و اجتماعی که داشتند، میباشد همچنین در اثر همان نادانی، بنحوی اقتصاد و امور اجتماعی آمریکا را نیز پریشان نمود که خوشبختانه فقط یک دوره، شانس خرابکاری یافت!!
خانمها آقایان

با این سوابق، توضیحات کاملا غیر واقعی شما، درباره دلایل اهداء جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی و بویژه مصاحبه امروز ایشان در ایران، حقانیت نظریات و اعتراض مرا به اثبات میرساند و مشخص میگردد که شما افراد این کمیته یا کاملا بی اطلاع از حقایق میباشید و یا شدیداً از احساس مسئولیت و وجدان به دور! و یا جمع این صفات!! و مجدداً با این فریبکاری اخیر و تثبیت "آلزامر بین المللی" هدف نجات حکومت ملایان جانی در ایران بدون کوچکترین توجه به خواست نهائی آنها یعنی "به رهبری جهانی رسیدن تروریسم اسلامی و تخریب جهان متمدن"، تنها دلیل اهداء این جایزه کاملاً حقیر شده بوده است .

زیرا اعلام کرده اید: "...به خاطر تلاشهای او در راه مردم سالاری و حقوق انسانی، بویژه بیشترین تلاش او در راه دفاع از حقوق زنان و کودکان بوده است،" و دلیل دیگر که تغییرات حاصل شده در ایران را تعقیب کند". به نقل از C.N.N همینجاست که آنچه به شما نسبت داده ام تجسم می یابد! کدام حقوق انسانی؟ کدام تغییرات؟ که تازه ایشان تعقیب نمایند! این شیادی دنباله سناریوی ساخته و اجرا شده حدود ۷ سال اخیر، "تغییرات در قالب اصلاح طلبی خاتمی جانی، بلبل گفتگوی تمدن‌هاست". که ابداً وجود خارجی ندارند و منحصرراً غذای رسانه های گروهی بی وجدان خارج از ایران برای خواب کردن وجدان و حافظه بین المللی، جهت دادن مجوز به دولتهای بی وجدانتر، برای بستن قرار داد های چپاول گونه و در نتیجه حفظ مرکز تروریسم اسلامی (حکومت ملایان) میباشد.

زیرا خانم شیرین عبادی در اولین مصاحبه در پاریس ۱۰ اکتبر گفت: "از دیدگاه من هیچ تضادی بین اسلام و حقوق بشر وجود ندارد". و امروز در تهران: "من به قانون اساسی احترام میگذارم و در چار چوب قوانین رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران فعالیت خواهیم کرد و البته هر جا که قانون نیازمند بازنگری باشد، با دیدگاه کارشناسانه و صرفاً تشخیصی، فارغ از دیدگاه های سیاسی، در این حیطة وارد شده و می‌شوم، زیرا حقوقدانیم و اظهار نظر در مورد قانون، یکی از وظایف ماست". در ضمن اعلام کردند:

که تازه باید حداقل خودشان را برای دریافت این جایزه راضی کنند! زیرا حتی از اینکه نامشان در فهرست نامزدها قرار گرفته بوده، اطلاعی نداشته اند (به نقل از رادیو اسرائیل) پس یعنی کاندید هم نبوده اند! و فقط غیر ارادی بسوی پاریس کشانیده شدند و عجیب آنجاست که ۴۵ دقیقه قبل از اعلام رسمی، توسط فردی از کمیته جایزه صلح نوبل از نروژ با ایشان در پاریس تماس گرفته شده است!! که بدین ترتیب بار دیگر و بمانند ۲۵ سال گذشته جهت هشدار به حافظه ملی ایرانیان، به این مقدار عملیات شبیه فیلمهای جیمز باندی! نمی توان نامی، " بغیر از امدادهای غیبی همیشگی " آنها منحصرآ در جهت این نظام، نهاد!

خانمها و آقایان

جهت اثبات چگونگی هدف این " امدادهای غیبی " این بار توسط شما، فقط نقل قول دو جمله: " من به قانون اساسی جمهوری اسلامی احترام میگذارم " و " از دیدگاه من هیچ تضادی بین اسلام و حقوق بشر وجود ندارد " کافی است. که در نهایت درد و تاسف از دهان یک حقوقدان! بیان شده است و نشانگر بدون چون و چرای این واقعیت تلخ برای ثبت در تاریخ ایرانیان است، که برنده جایزه صلح نوبل آنها، " حقوق دانی شیاد " یا " مونگلی حقوق خوانده " است که نه قوانین بدون تغییر اسلام را میشناسد و نه از حقوق بشر مطلع است و نه قانون اساسی جمهوری اسلامی را خوانده است. ولی دقیقا بمانند کار فرمای همیشگی اش، خاتمی جانی، ولی تازه بعد از ۲۵ سال نکبت فراگیر و بویژه مشاهده ۶ سال حکومت جنایت بار این جانی، بخاطر همین نوع خزعبلات، اینک که زن و مرد و کودک ایرانی البته کاملا یکسان و برابر! تمامی اعضاء قابل فروش بدنشان را میفروشدند و هروئین از شیر و سیگار، برای محو نسل جوان و پویای ایران ارزانتر گشته است، چنین لاطائلاتی را می گوید! و دوباره میخواهد تفسیر دیگری از اسلام و حقوق بشر ارائه دهد و تازه اگر لازم شد، البته " بدون ورود به بحث سیاسی " نظر کارشناسانه اش را ارائه دهد!! در حالی که هر فرد ایرانی که فقط سواد خواندن و نوشتن داشته و از مغز سالم نیز برخوردار باشد، با یک بار خواندن این قانون اساسی میفهمد که یعنی حکومت یک آخوند بعنوان ولی مطلق بر ۷۰ میلیون ایرانی اعم از مرد و زن و کودک کاملا یکسان و بشکل صغیر! و امکان هیچگونه بحثی هم وجود ندارد!! و مطابق این قانون " مردم سالاری " یک تخیل میباشد زیرا اساسا ایرانیان کلا کوچکترین ارزشی ندارند چه رسد به حقوقشان که این خانم تا کنون توانسته باشد، کوچکترین برای " زنان و کودکان " انجام دهد! اگر ممکن بود! خاتمی جانی، میتوانست فقط دو لایحه درباره بیان وظایف حقیرش را از تصویب بگذرانند! ولی با در دست داشتن این جایزه و گمراهی کامل دنیا از این واقعیات، آنها در شرایطی که مردم نگون بخت شده ایران دقیقا بوسیله موجوداتی این چنین، اینک بیدار گشته و امکان نجات رژیم جهت انتخابات پیش رو، در داخل بهیچوجه میسر نبوده است، ناگهان بشکل شعبده ای جدید از آستین خواستاران حفظ این جانیان در داخل و خارج کشور، ارائه شده و تازه ماموریت " تعقیب تغییرات حاصل شده در ایران بایشان محول گردیده است " .

در این مورد نیز مرتکب فریبکاری دیگری شده اید. زیرا اساسا پس از طرح مسخره جهانی " گفتگوی تمدنها " توسط خاتمی جانی و بمدد کوفی عنان جایزه صلح نوبل در دست! در ۲۲ آوریل ۲۰۰۲ برای اولین بار پس از ۱۹ سال از روی کار آمدن این جانیان، کمیسیون حقوق بشر! حکومت اسلامی را از اتهام اعمال مغایر حقوق بشر بکلی تبرئه کرد! و در اصل ملت ایران را محکوم به تحمل همه نوع جنایتی

از سوی این جانیان نمود! پس نه تنها "تغییراتی حاصل نگشته" بلکه دقیقا وضع هزاران بار بدتر از هر زمان دیگر در این ۲۴ سال گردیده و علاوه بر سنگسار، انواع دست و پا و انگشت بریدن و چشم در آوردن، البته وجدانا، قطع اولین گردن! در ماه مای ۲۰۰۳ بوقوع پیوست! و همچنین انواع بازار برده فروشی "زنان و کودکان" نگون بخت ایران در داخل و خارج را هم، یا باید جزء این "تغییرات حاصله" دانست و یا به قسمت رشد و نمو اقتصادی و ایجاد بازار کار جهت بیکاران افزون نمود!! که در همه حال صدائی از این خانم شیرین عبادی شنیده نشده است! زیرا اساسا در ایران تا کنون کمتر کسی با نام این خانم آشنایی داشته است! فقط نام ایشان به جهت تلاش برای جا اندازی فریب ملی "اصلاح طلبی" و خدمت به خاتمی جانی و سخنرانی در کنفرانس موسوم به "برلین" مدتی شنیده شد و سپس ایشان بدون سر و صدا بخدمت جهت کار فرمای خود ادامه داده و با سایر رفقا، همگی بظاهر مخالف و اصلاح طلب، " طرح رفراندوم" داخل این رژیم را تهیه و فقط نیازمند چنین تبلیغ وسیع و گمراه کننده ای بودند. تا بار دیگر ایرانیان را فریب دهند! البته زمینه این فریب، با درخواستی از آقای کوفی عنان! قبلا فراهم شده است.

خانمها و آقایان

بدین ترتیب، شما نه تنها بار دیگر "وسیله ساز" نیرنگی تاریخی گشته اید، بلکه مسبب "تلخی اوقات" خاتمی جانی نیز شده اید! زیرا او با چنین جنایاتی برای حفظ این نظام و در جهت تامین کامل منافع بین المللی حداقل، توقع گرفتن این جایزه را داشته و نه کار گزارش!! پس اینجانب وظیفه دارم با عنایت به جو حاکم بر کمیته شما، شرط سوم را نیز به دو شرط احراز، آورده شده در صفحه اول اضافه نمایم : ۳- و یا باید "کارگزار" تروریست و حامی تروریسمی چون خاتمی جانی بود!!

شرم ابدی بر شما باد که روح آلفرد نوبل، اینک بد نام شده را نیز، معذب کردید!

با ایمان به پیروزی ملت ایران

نزهت یحیی زاده